

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

ارشيف اسناد جنبش انقلابي

فرستنده: طارق از افغانستان- هوادار (ادامه دهندگان)

۱۲ نومبر ۲۰۱۱

ندای آزادی - شماره پنجم صفحه (۴۶) دوره چارم - سال دهم

کنسرسزمین دلاوران

ان: شهباز نور محمد

نویسنده درما و سیتا مور گفته سفر کوتاهی به کنسرسزمین " شمال انما نسیم
مقاله ای در عمق درد و مصیبت و بیچارگی کنسرسزمین مردمان این سرزمین که اکنون
در دست آینده ای نا پیدا گرفتار اند و نویسنده را بر آن داغ تا این نویسنده ناچار
را - که ادعای کمال ندارد و سرآغاز بخشی جدی و همه جا نیه میشودند تلخی شود
بعثا به انای دین معنوی بزرگ بسردمان بلاک کنسرسزمین تقدیم نماید

را بازی کنسرسزمین
از اکتوبر سال ۱۹۸۸ که آخرین سر باو
روسی و دولت مزدور کا بل خاک کنسرسزمین
ترک گفته است تا کنون که بیش از یکسال
از آزادی ولایت کنسرسزمین گذرد ، مجموع
نیروهای مقاومت و مردم کنسرسزمین
یک آزمون عملی قرار دارند و آن اینست
که نیروهای مقاومت مناطق آزاد کنسرسزمین
چگونه اداره می کنند ؟ چگونه میتوانند
قدرت سیاسی را در منطقه برپا سازند ؟
چقدر مردم حق تعیین سر نوعت سیاسی
شان را میدهند ؟ اختلافات فرقه ای
خود را چگونه حل و فصل می کنند ؟
سیاسی حاکم وظایف خود را در قبال جامعه
چگونه ادا می نماید ؟ طرح اجتماعی
آن دارای چه رنگ و کدام گستره و چه
مشخصاتی است و ... صدها سؤال دیگر
که در مراحل مختلف جنگ مقاومت حیثیت

کنسرسزمین دلاوران اقامت ای ملت
ما که با "تبرچه" در مقابل بزرگترین
ارتش جهانی اولین جرقه های مبارز
سلحشانه مقاومت ملی را برافروخت
اینک بعثا به اولین ویدگان ولایت
کشور از قیداستعمار روسی و مزدوران
ظلمتی سرچمی آن آزاد شده است
این ولایت شمال شرقی کشور محبوب
ما با مرز مشترک ۱۵۰ کیلومتری خود با
پاکستان و هم مرز ویا نزدیک بودن با
ولایت ننگرهار بلخمان و کاپیسا و
بنحسیر با کوه های سربلک کنیده با
اقتصاد خود کفا و مردمان غیبتنوره
استوار و شکستنا پذیر خود اهمیت
استراتژیکی ای در مراحل اولی جنگ
مقاومت ما کسب کرد و در مقلیدگرونیها
و تکامل پیچیده اوضاع کنونی نیز به
یقین میتوانند نقش درخور اهمیت خود

تابع و تابعیه ای دارد ولی با تحول نسبی و مقتضای مقتضای دولت‌ها لایحه‌ها را اصلاح و وظیفه معینی پیش پای آن قرار می‌گیرد .

برای بررسی همه این مسائل با بستن زمینه‌های قبلی آنرا در زمانه ما قبل فاجعه هفت‌تور ۱۳۵۲ و مرطبه ده سال جنگ مقاومت جستجو نمودیم . اوضاع کنونی را بدرستی و درسیساق تاریخی آن ارزیابی کرده و چشم‌انداز روشنی از تکامل اوضاع داشته باشیم .

قسمت اول

اوضاع قبل از کودتا در کنسول ولایت کنرها " با پیش از سه صد هزار جمعیت خویش اقوام و قبایل متعددی را در سینه پرامن و کوهستانی خوبجاها داشت . در پهلوی " ماهی " و نورستانی دو قوم بزرگ و همسایه که پیش و نوش و شیب فراز و دوستی و خصومت را در طی قرون و اعصار با هم - و در مقابل هم - حمل کرده اند . اقوام دیگری مانند دهگامه‌شوانی ، پشه‌ای ، سالازی و گجر در پهنای وادی‌ها و دره‌های متعدد آزند .

تلاقی اقوام متعدد و فرهنگ‌های مختلف با شرایط طبیعی سخت و مسوار

اقتصادی محدود از ساکنان این خطه مردمان دلاورمتکی بخوده ، با عوت نفس و مغروریه تاریخ فرهنگ‌گستر زمین خود بنا آورده است که در نهایت سادگی و عقوبت مانندی ، ذکاوت و خویشتن‌مغای افغانی در هر گوشه و کنار آن و در جبهه فرد فرد آن احساس می‌شود .

زراعت مانند همه ولایات کنور همیشه اصلی مردم است بیش از ۷۰٪ مردم به کشت و زرع و مالدارانی مشغول اند . احصایه‌های غیرموقت مقدار زمین زراعتی را ۲۶۰۰۰ هکتار تخمین می‌زند که ۱۶۰۰۰ هکتار آن آبی و متباقی بصورت للمی کشت می‌شود . ۳۰۸۰۰ هکتار زمین پوعیده از جنگلات است که مالکیت آن -

گاهی بصورت اشتراکی به قریه تعلق دارد و زمانی نیز به مالکیت خصوصی خانواده‌ها و افراد در آمده است . (۱)

مناسبات مالکیت زمین تا سال ۱۹۷۸ در کنر بطور عام بر ملکیت فردی استوار بوده است و بجز از " بانخا ما " در منطقه نورستان دره بیخ که هنوز هم باغ بزرگ ملکیت جمعی قبیله را نشان می‌دهد و مردم آنرا بخاطر حفظ سنن قبیلوی خود همانگونه نگه داشته‌اند دیگر در همه جا ملکیت زمین خصوصی است . حدوداً پنجا

(۱) احصایه دیگری مقدار زمین آبی را ۱۱۶۶۹ جریب زمین آبی تخمین زده است که در پهلوی آن ۱۲۲۷۶ جریب للمی نیز کشت می‌شود . این احصایه مقدار جنگلات را ۱۳۵۶۹ هکتار نشان می‌دهد .

امرار معاش می کردند . مناسبیات
 فئودالیتة بنا بر اصلی اقتصاد کثرت
 که بر روی بسترعلاق اجتماعی ماقبل
 فئودالیتة - بویژه علاق وروا بنسبت
 قبیلوی - وهما هنگ با آن - کار کردخود
 را دارد . در مناطق هموار ونزدیک به
 شهرها ودر میان اقوام غیر بیستون
 مشخصانهگان - علاق قبیلوی وینا بر
 سطح بلندتر فرهنگ وروابط وعلاق
 با بوروکراسی ومناسبات اقتصادی با
 شهرها و ضعیف بوده و نمونه تبیین
 فئودالیسم شرقی را نمایش میدهد
 در حالیکه در مناطق کوهستانی کار
 کرد علاق قبیلوی در درون مناسبات
 فئودالیتة بسیار قوی است تا جائیکه
 بعضا منجر به گمراهی برخی از جامعه -
 شناسان افغانی و خارجی شده و این جوان
 را بعنوان جوان مع قبیلوی یاد می کنند .
 دهقان زمین را برپایه نصفه کاری
 ویا سه یکه کیت می کند بنا نخر بهره
 مالکانه $\frac{1}{3}$ یا $\frac{2}{3}$ است که بنا بر وجود
 ویا عدم وجود ابزار کار در نسبت
 دهقان وبخصوص نوعیت زمین تعیین می
 شود . زمین های حاصلخیز سه یکه و
 زمین های کم حاصل نصفه کاری بددهقان
 داده می شود .
 سیستم زراعت کاملا بدوی است
 کار زراعتی (قلبه و تخم پاشی

در موزمین های زراعتی مجموع ولایت
 فقط در اختیار اولاد واحفاد میرزمان
 خان (لوی خان) بود و سی درصد
 زمین های زراعتی نیز در دست خانواده
 های انگشت شمار دیگری چون خانواده
 سلطان محمد خان دره بیچ و جلالخان
 (اسمار) حکیم آخوندزاده (خوکسی)
 حاجی جمده خان (چنه سرای) و تعدادی
 از باجها (سادات) است .
 این مجموعه خوانین وزمیندارها
 همراه با تعداد معدودی از تجارت
 پیشه گان چون شیرمحمد بارکنسی
 وکیل محمد اکرم و تبه پور سعیداحمدخان
 لیچه لام و وکیل مشوانی وغازی از اسما
 وچلیک ملنگ از خاص کثر که بعد ها
 سرمایه های خود را در راه تما حاسب
 زمین و اموال غیر منقول بکار انداختند ،
 مجموعا کمتر از نیم فیصد جمعیت کثرت را
 تشکیل میدهند که ۸۰٪ زمین زراعتی و
 بهمان مقدار جنگلات را در اختیار
 داشتند . در حالیکه ۹۵٪ مردم کمتر
 از ۲٪ زمین را در اختیار داشته و
 حدوداً ۹۴٪ مردم کاملا بی زمین بودند .
 بنا بصورت اکثریت ۹۰٪ مردم کثرت
 را دهقانان کم زمین ومالکان کوچک
 میسازد که در پهنوی وابستگی به قطعه
 زمین کوچک خود از طریق دهقانی برای
 زمینداران بزرگ ویا پیشه های دیگری

آبیاری و درو و خرمن کوبی (همدگی با دست و وسایل ابتدائی بکمک حیوانات انجام می یابد در بعضی مناطق نورستان قلبه راهم بجای حیوانات خود انسان کس می کند . زراعت میگو نیزه وجود ندارد سیستم آبرسانی عمدتاً با استفاده از آب دریا می کتر است که از شمال شرق به جنوب غرب جریان دارد وادی کتر را بدو قسمت تقسیم کرده است . گفته می شود که قبل از سال ۱۹۷۸ در حدود ۴۰ عدد سرپند (کانال) آبرسانی توسط مردم برای استفاده از آب دریا برای مقاصد زراعتی بوجود آمده بود ولی با آنهم بنا بر سر وی اقتصاد آن زمان محدودیت حاصلت زراعتی بنا بر سر کمبود و بدوی بودن سیستم آبرسانی تشخیص داده شده بود که با یستیم اقدامات مقتضی جهت استفاده بهتر از آب دریا می کتر صورت می گرفت . در دره های دورتر از دریا ویا مناطق مرتفع یا از آب چشمه برای زراعت استفاده می شود یا زمین ها بطور لیمی کت می شود . استفاده از کود کیمیاوی و تخم های اصلاح شده چندان عمومیت نداشته . مرا اکثر از کود حیوانی استفاده می کردند و بعلت عدم دسترسی دهاقین بسینه کود کیمیاوی عدم استفاده فراگیر از تخم های اصلاح شده حاصل دمی زمین بسیار

کم بود ۱۰ امراض وبائی و غیر وبائی در میان حیوانات بطور گسترده وجود داشته . مردم معمولاً کت گندم جواری و برنج هجو و ولوبیا می بردازند و حاصلات سردرختی آنها توت هجارمنز انگور ، انار ، سیب و زردآلو و شفتالو ، بهی ، عناب ، انجیرو . است . منابع انرژی اساساً چوب موجود در جنگلات است و درختان ارچه هسته ، بلوط زیتون و ... دارد . جنگلات مذکور بنا بر استفاده غیر علمی از آن دچار نابودی خطرناک شده است هدرطی ۷۰-۹۰ سال اخیر بطور اوسط ۵۵-۶۰٪ جنگلات کتر بعلت تکثر نفوس استفاده غیر علمی تجارت قاچاق چوب و مالدار ی و زراعت وعدم توجه مسئولین دولتی تخریب شده و از بین رفته است . در پهلوی آن دو توربین برق آبی هر کدام با ظرفیت ۴۳۵ کیلووات در منطقه چغه سرای وجود داشت که بر دریا ی بیج نصب شده بود علاوه یک جنریتور دیولسی با ظرفیت ۲۰۰ کیلووات و یک آلترنیتر - میش سندر در حدود ۹۵۰ کیلووات در کارخانه نجاری وجود داشت که همدگی بطور عمده برای مقاصد روشن ساختن منازل مورد استعمال بود که فقط

منطقه چنه برای وسالزباغ را روشن می کرد . و کمتر درموارد تولیدی و اقتصاد آن استفاده صورت می گرفت .

مالداری و دامپروری رکن دیگر اقتصاد این منطقه است . مالداری اگر چه در مناطق پختون نشین حیثیت اقتصاد تابع زراعت را دارد ولی در مناطق بودوباش نورستانی ها اساسی ترین رکن زندگی اقتصادی مردم را تشکیل میدهد . زراعت کاملاً حیثیت تابع و جزئی را دارد .

چنانچه در مناطق پختون نشین ملکیت های کوچک زراعتی عمومیت دارد همچنان مالکیت دامپروری محدود (حدود ۱۰۰ - ۲۰۰ بز) در مناطق نورستان عمومیت دارد ولی در عین حال ما شاهد افرادی را صاحب نقوذی نیز هستیم که هزاران رأس بز و گوسفند دارند و در پهلوی آن دارای مقدار معینی از زمین زراعتی نیز میباشند : حاجی غفور و محمد رحیم خان از کانتیوا ، یا محمد حاجی جمعه خان ، حاجی عیدک و حاجی جمعه گل از واما ، حاجی تازه گل عین الله معلم ، قادرخان ، همایون واصل الدین از وایگ ، چنانچه ملک امیر محمد نورستانی همگی افرادی اند که برپایه ملکیت های کلان

مالداری در اسهرم اجتماعی جامعه نورستانی قرار دارند . ولی بهر حال اقتصاد نورستان بر محصولات دامپروری مبتنی است که در آن نه از امتیازات فئودالیستی خبری است و نه هم از سلسله مراتب اجتماعی موجود در جامعه فئودالیستی . همسایه آن که بررسی مفضل آنسرا بایست به اوقات دیگری موقوف کرد .

اوضاع اجتماعی :

ولایت کنر محل بودوباش دولتیست (پختون - نورستانی) برادری است که در طی قرون و اعصار در پهلوی هم زیسته اند . اگر چه در مورد ریشه اصلی ملیت نورستان افسانهها برحقایق علمی غلبه دارد ولی آنچه واضح است که این ملیت قدیم ترین باغندگان این خطه را - میسازد و اقوام دیگری مانند صافی ، مشوانس ، مومند ، دهگنان و ... همگی تازه واردینی اند که در دو صد سال اخیر از مناطق دیگر کشور با پنج مهاجرت کرده و مسکن گزیده اند . در میان قبایل پختون (مانند صافی ، مشوانس)

سالاری) و یا غیربیتون (ماننددهگان و پشه ای) که بعدا تحت تاثیر فرهنگ بیتون قرار گرفته و جزء لاینفک ملیت بیتون گردیده اند. (۲)

فرهنگ بیتونولوژی با ارزش های متعالی آن از قبیل آزادی، عبادت، نماز، موسیقی، آداب و آیین های ملیت، تأثیرات زرفنی، بر فرهنگ افغانی ما دارد و چنانچه ارزش های عقب مانده آن در غلوا انتقام فردی و تحقیر زنان و محدودیت قبیله‌ای و خونی و... مانع تکامل طبیعی جامعه ما می شود. ولی بهر حال این فرهنگ در کنار با جوانب مثبت و منفی آن بسوی زندگی مردم تسلط کامل دارد.

در این فرهنگ تمام جامعه بیتون - با تفاوت های کمی غیر مهمی - با هم اشتراک دارند و تفاوت میان اقوام ساکن در وادیها و مراکز شهری و اقوام ساکن در کوهستانها بنا بر عوامل جغرافیایی، فرهنگی با دیگر اقوام و ملیت ها نزدیکی و دوری با شهر و تأثیر برداشتن از آن و بلند رفتن تعداد روشنفکران و رابطه با بوروکراسی تفاوت های معینی را با زگو می نماید ولی در کلیت

نمی تواند جدا از چارچوب نظام ارزشی "بیتونولوژی" بزندگی خود ادا میدهد. این فرهنگچه در علائق وروا بسط خانوادگی و چه درروابط و مناسبات ذات البینی با دیگران و چه در فهم حقوق و واجبات فردی و اجتماعی دارای نظام ارزشی قابل احترام و با اتوریته است که از یکجا نب ریشه در حفظ منافع قبیله‌ای و مشروعیت با تمسک مرسلانرا نه و سختگیرانه خود دارد و از جانب دیگر نما یا نگر فرهنگ آزادمندی مهمان نواز و با گذشت است.

فرهنگ نورستانی ویژگی های جامعه تشبانی ابرو با زگومی کند که در مراحل ما قبل فئودالی در جا زده است درین جامعه تعلق ملکیت زمین به زن و ملکیت مواشی به مرد کار زراعتی به زن و کارخانه به مرد نظام ارزشی آنرا ویژگیهای خاصی داده است که تنها آنرا از جامعه بیتون متمایز - می سازد که از مجموع قبایل اقوام ملیت های دیگر افغانی تفاوت های چشمگیری را با زگومی کند. تفاوت چشمگیر جامعه نورستانی

(۲) مورد مشابه این استحالسه را در مورد عربها مشاهده می نمائیم که قبایل عربی را به العرب العاربه (عرب اهلسی) و العرب المستعربه (عرب عرب شده) تقسیم می کنند.

در ساله ملکیت با دیگر ملیت‌ها
 مساوی‌ارزشی بخصوص در ممالک
 زن را کاملاً مفهوم دیگر بخمیده است
 که علی‌الرغم بدوی بودن آن لحظت
 انسانی بیشتری را نسبت به فرهنگ
 جامعه فتودالی پیتون دارا میباعد .
 در چارچوب این وضع فرهنگی کوششی
 هم از جانب دولت‌ها برای بلند بردن
 سطح فرهنگی و دانش مردم بر سرشمارند
 تا سال ۱۹۷۸ تعداد اخرا دیکه دارای
 تحصیلات عالی (بالاتر از صنف ۱۲) بودند
 کمتر از ۳۰۰ نفر و تعداد افراد با
 تعلیمات متوسط (صنف ۱۲) آن چیزی -
 بیشتر از ده هزار تن بود که در مقا
 با ۳۰۰۰۰۰ تن جمعیت آن بسیار ناچیز
 است .

دراواخر دوره داود ولایت کنردارای
 ۸ مکتب عالی ۱۶ مکتب متوسط و ۲۸ مکتب
 ابتدائی و دهاتی همراه با ۵ مدرسه
 دینی بود که مجموع آن ۶۱-۱۰٪ مردم
 را توانسته بود باسواد سازد و بیشتر
 از ۹۰٪ مردم هنوز هم در تار یکی جهل
 نست ویا میزدند .
 اوضاع صحتی آن بهتر از عراق وسط
 تعلیمی نبود در سال ۱۹۷۸ کنردارای
 ۵ مرکز صحتی اساسی ۹ مرکز صحتی فرعی
 و یک مرکز رهنمائی خانواده بود .

توبرکلوز ، محرقه و ملاریا بعنوان امراض
 ساری وجود داشت و در حدود ۱٪ نفوس بهر
 کدام این امراض ساری مصاب بودند . با
 ۲/۵٪ مرگ میرا طفال کمتر از یکسال و
 ۱٪ مرگ زنان ناشی از وضع حمل ۲/۵٪
 مرگ و میربا امراض عادی با ۲۴ نفر
 دا کتر ۴۷ تن دیگر پرسونل صحتی (معاین
 دا کتر وقتا بله) میتوان وضع صحتی میسر دم
 آنرا حدس زد . واکسین زدن و گروپها ی -
 صحتی سایر گهگاهی سروکله خود را نشان
 میدادند ولی کار جدی برای طب وقتا بوی
 وجود نداست .

ساختمان سیاسی کنر :

در چوا مع عقب مانده سیاست تانیرای
 حفظ هستی خود در مقابل خطرات غیر قابل
 پیشبینی را نشان میدهد . درینگونه
 جوامع هنوز سیاست بمناب طرز العمل
 "modus vivandi" زندگی اجتماعی
 در سطح گسترده تری از محیط فردی تلقی
 نمی شود . بنا " ساختمان سیاسی
 درین بحث با همدین مفهوم به چگونگی
 اداره زندگی با همی در اشکال بدوی آن
 توجه دارد .

اساسی ترین مشخصه زندگی سیاسی
 کنر ویا به سیاسی اساسی آن را " جرگه
 ها " تشکیل میدهند جرگه تصمیم بسته
 جمعی افراد یک گروه اجتماعی برای

راه یا بی يك معضله اجتماعی است، در مورد مسایل ناموس و در موارد قتل و قتال عذری به تعدی به حقوق مدنی افراد (ملکیت و اعتبار ۱۰۰۰) همیشه در صورتیکه طرفین نتوانند بر توافق برسند - که عادتاً نمیرسند - جرگه‌ها میتوانند راه حل قابل پذیرش و بسا اوتوریته را برای طرفین ارائه دهند.

" جرگه " ها از افراد گسوه تشکیل می شود و گستردگی و محدودیت آن نیز به قضیه قابل بحث تعلق می گیرد. جرگه های يك قریه و جرگه قوم جرگه اقوام همگی گستردگی های جداگانه ایران نشان میدهد و که نسبت به اهمیت موضوع بحث و موقعیت طرفین دعوا میتواند به یکی از انواع این " جرگه " ها توسل جسته و راه چاره جستجو کرده "جرگه" شما یا نگر دموکراسی بدوی - زندگی قبیلوی را نشان میدهد که در آن فکر انتخابات همگانی و مستقیم سبب سوری بهیچ صورت مطرح نیست. افراد از میان رهبر سفیدان قبیله و قریه با موثریت معیار های شخصیتی (عدالت و فهم قضا یا موثریت) موقعیت اجتماعی (داغتن " ملاتر " در میان قوم) و موقعیت اقتصادی تعیین می شود قضا با نیز بطور صریح و روشن بحث می شود و اظهار نظرات نیز صراحتاً و بدون

سریت فی المجلس بیان می گردد - یقیناً کسانیکه در جرگه ها با اراقتصادی بیشتری را متحمل میشوند و افراد را دعوت کرده و مشولیت " جرگه " را - بدوش می کشند دارای نفوذ بیشتری در حل و فصل قضا یا نیز میباشند. "جرگه ها" دارای اوتوریته معنوی چنانچه دارای قدرت اجرایی نیز میباشند که بصورت " ناغه " قبلا در " جرگه " تعیین می شود .

سلسله مراتب جامعه کثر روی بسک هرم اقتصادی - اجتماعی استوار رسیده که در جامعه بیتون تا حدودی از جای نوریستانی متفاوت است .

در جامعه بیتون خان در رأس هرم اجتماعی قرار داشت. با تین تر از آن ملك ها رهبر سفیدان و زمینداران دیگر با بین تر روحانیون بعداً دهقانان و در آخر پشه وران .

در حالیکه در جامعه نوریستانی مفهوم " خان " وجود ندارد . در جامعه ما قبل فئودالی نوریستانی افراد بنا بر ثا بستگی های فردی - (واکفرا انجاعت و مردانگی و جنگاوری) در رأس هرم اجتماعی جامعه قرار داشت که خود میتوانند با این صفات شخصیتی و موقعیت اقتصادی بهتر نیز کماشی کند . با تین تر از آن ملك قریه و -

آن در زیر هجمات وحشیانه و بیربیریت
بی نظیر رژیم مزدور واریاب روسی
آن به ترک دیار و کاشانه خود مجبور
شدند .

تحولات درونی جامعه ناغی از جنگ
با تمام ابعاد آن ، نقش روز افزون
احزاب سیاسی در روینای سیاسی - اجتماعی
جامعه و دست درازی های نیروهای بیگانه
گونه گونه تاثیرات زیادی بر ساختمان
اقتصادی - اجتماعی کثر و اوضاع سیاسی
آن داشته است . ولی علی الرغم فقدان
یک قدرت سیاسی با اتوریته و بشکرتنه
ساختمان قبیلوی و میکائیم محکمیم
و نه برجای آن زندگی ظاهرا بطور عادی
به پیش می رود ، ولی دورنمای روشنی
از یک جامعه متعدهن و معاصر ، قدرت سیاسی
دارای التزام اجتماعی و مناسبات
و بین المللی هنوز در چشم رس قرار ندارد
درین بخش می کوشیم نظری گذرا برین
اوضاع بیفکنیم :

اوضاع اقتصادی

پس از قیام عمومی مردم کثر در اول
۱۹۷۸ ، و اوایل ۱۹۷۹ ، و بوجود آمدن
" مجاهدین آزاد " مقاومت تسوده ای
مردم طوری سازماندهی شده بود که
خسارات چندانی با موزر زراعتی وارد -
نکنند ولی بعد از مهاجرت های دسته

جمعی در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ و بعد از اینکه
بیش از یک نفوس مناطق خود را ترک کردند
اساسی ترین ضربت بر بیکر تولیدات
زراعتی وارد شد . بمبارد ما نهایییم
هر تاب ما این از طیاره ، و تخریب قریه
جات با توپ های دورزن و سوختن
محصولات زراعتی مردم با بمب های آتینزا
همگی همراه با مصروفیت جوانان دهقان
در امور جهادی ویا مهاجرت آنها به
پاکستان فرآورده های زراعتی را کاملاً
پایین آورد . این ساله آنگاهسی
به نقطه اوج خود رسید که زمینداران
بزرگ و کوچک اکثر راه فرار را در پیش
گرفته و با استثنای خانواده های
معدودی دیگر همه لایه های بالایی
جامعه کثر نقش چندانی در جهاد ایفا
نکردند و مسئولیت جهاد را بر شانه
مردم بی زمین و یا دهقانان کم زمین
گذاشتند بناگرمین های زراعتی
در طی ده سال اخیر بی زرع و کشت باقی
ماندند . در طول ده سال گذشته فقط
زمین های اطراف چغه سرای که زیر
نفوذ دولت بوده است بطور منظم کشت
میشد ولی مناطق دره پنج ، سرکانی
خوکی ، نورگل ، خاص کفرکه گفته
میشود دارای ظرفیت گسترده زراعتی
است و زمین های هموار و قابل کشت در

آنجا ها وجود دارد ، زراعت در تمام این مدت رونق چندانی نداشته است . يك هيئت ملك متحد كه در اواخر سال گذشته (۱۹۸۸) از مناطق معینی بازدید کرده ضمن رایور خود شترمنطقه زراعتی را اینچنین توصیف می کند :

- از ناوه باس تا سرکاهی تمام زمین های زراعتی خراب شده است . تا بسد در گذشته هم این منطقه از لحاظ زراعتی بسیار پیشرفته نبوده است .

- از سرکاهی تا خوکوه : میگویند که حاصلخیزترین منطقه همین جا نبوده است و دارای پتانسیل زراعتی عالی است ولی در طول هشت سال گذشته این منطقه زراعت نشده و اکنون با کاملاً دشت ویا از علف های هرزه پر است .

- در بعضی نقاط در میان راه چیل - آباد چنه سرای و در زمین های اطراف آن زمین گذاری شده است . در صورتیکه مشکل همین گذاری طی شود شاید این منطقه برای زراعت میکانیزه شده بسیار مناسب است .

- از سرکاهی تا پل نورگل در بالای - دریای کتر تمام مناطق دشت بوده در اینجا هم در تمام این مدت کیت و کار صورت نگرفته است .

از منطقه پل نورگل تا چنه سرای و بیچ همیشه زراعت آن دوام داشته

و سریند سال نیز کمافی السابق قابل استفاده است . در سالهای اخیر چنه سرای يك فارم ۲۰ هکتاری حکومتی است و يك فارم بزق چای .

- از چنه سرای تا اسما زمین های زراعتی کیت نبوده اند و قریه ها خراب شده و مردم مهاجرت کرده اند .

- از چنه سرای بطرف دره بیچ تا ننگلام (۴۰ کیلومتر) منطقه زراعت ناعده و فقط چند کیلومتر محدود آن در نزدیکی کاتال سالرکت وزرعی شود .

- ولی قابل تعجب اینست که درین منطقه کار اصلاح امور زراعتی بدون - با زگت مهاجرین و بدون کمک خارجی بطور چشمگیری به پیش میرود . (۱)

از ننگلام تا اعماق چنه دره و دره ویک در طی نه ماه بعد از تشر این را پور بدون کمک خارجی علی الرغم عدم با زگت مهاجرین کاملاً سرسبز و زیر کیت است . زمین های کیت ناعده در یسن مناطق در نقاط کوچکی بطور استثنائی بچشم میخورد .

ولی بهر حال کمبود پرسونل زراعتی - دهقانان - کمبود کود حیوانی و کیمیاوی و مشکلات مالکیت که بعداً بدان اشاره خواهیم کرد همراه با خراب شدن سر بندهای آبی و مشکلات مابین هنوز هم

درواه احیای زراعت در منطقه مواسع
 جدی بشمار میرود .
 مناسبات مالکیت در کثرت اکنون تا
 اندازه زیادی دگرگون شده است .
 تفنگ بدستانی که در راه آزادی کسرت
 زحمت کشیده اند اکنون مقدار زیادی زمین
 مالکان بزرگ و خواتین را تصاحب کرده
 و ادعا دارند که " زمین از کسی
 است که آنرا از قید استعمار بیگانه
 آزاد کرده است " تا اکنون تلاش و تنگ
 و دو خواتین مطیع نبودند نمایندگان اجزای
 و " مقاومت با کستانی " ؟ ؟ بسرای
 استرداد زمین های غصب شده شان
 نتیجه ای نداده است . مثال جالب
 توجه اینست که دهقانان ماکه دیروز
 اصلاحات ارضی رژیم مزدور را نپذیرفتند
 و زمین های داده شده را نگرفتند اکنون
 بزور تفنگ و حق خون دهی خود در راه
 آزادی زمین های مالکین ارضی خواتین
 را می گیرند تا منت محکمی برده شان
 آن یا وه سرایان بر مدعا حواله کنند که
 در طول ده سال گذشته می گفتند مردم
 افغانستان بخاطر عقب ماندگی مخالف
 اصلاحات ارضی است . مردم ما خواهان اصلاح
 ارضی است . مردم ما اصلاحات عادلانه
 ارضی را خواستارند و حتی آنرا بزور خود
 به اجرا درمی آورند ولی عطیة استعمار

روس و چوچه سگان آنرا دور می ریزند
 اینست درس واقعی که باید از این
 مسأله استنتاج کرد .
 پنکه درآینده در کثرت چه نسوع
 مناسبات ارضی حاکم می شود هفتاد و
 بیست و بیست و آن زود است . مسایل
 زیادی برین قضیه تاثیر خواهد داشت
 که مهمترین آن نوع دولتی است که در
 افغانستان بوجود آید ولی آنچه واضح
 است اینست که جنگ آرا پیش جدیدی در -
 نیروهای اجتماعی و طبقاتی درجا مسمه
 داده است این آرا پیش نوین که در حال -
 حاضر سیالی است درآینده ها مشخص تر و
 روشن تر عمل خواهد کرد -
 قرا راحماتییه های داده شده ۴۰-۵۰٪
 سریندهای آبی در جریان ده سال گذشته
 تخریب شده اند اگر کمبود آب و عقیمندگی
 سیستم آبرسانی را در کثرت در گذشته
 مد نظر بگیریم به این نتیجه میرسیم
 که درآینده ها یکی از مسایل مهم
 در احیای زراعت در کثرت در پهلوی اصلاح
 مناسبات ملکیت باید بریزی یک سیستم
 منورن و اساسی آبرسانی خواهد بود که
 باید یاد در نظر داشت ظرفیت زراعتی
 مناطق مختلف روید است گرفته شود .
 کود کیمیاوی اکنون هیچ در دسترس
 نیست و کود حیوانی نیز بنا بر کمبود مواسع

منطقه اند دایته است این تقلیل در-
 بعضی جاها با آن حدیست که ۹۰٪ از رزمه‌ها
 بنا بر یکی از علل فوق‌زیرین رفته‌است
 مثلا کسانیکه قبل از کودتا در ۳۰۰۰
 راس بزیا گوسفند بودند اکنون بیش از ۲۰۰
 راس مواشی ندارند و کسانیکه ۳۰۰-۱۰۰
 راس داشتند اکنون بیش از ۲۰-۳۰
 راس را صاحب نیستند *

در این اواخر که جنگ‌بال سیاه‌پس
 راجیده است علیمی مشهور است که مردم
 بدون کمک‌های و ترنری ویا مالی از جانب
 کسی خود دربی از دیاد دوباره مواشی
 خونا ند ولی آنچه واضح است اینست
 که بدون یک برنامه علمی وهمه جانبه
 با پشتوانه مالی قوی که بتوانند هم از
 لحاظ اصلاح نسل و هم از
 نگاه جلوگیری از امراض حیوانی
 چنانچه از طریق اصلاح عل‌فجرها و ...
 بمردم کمک کند ضربتی که اقتصاد
 مالداران کشور ما در کل و بیویزه در ولایت
 کتر خورده است سالهای متعددی جبران
 نخواهد شد *

وضع جنگلات در طی ده سال اخیر زیاد
 تغییر نکرده است. علت آنهم مهاجرت
 دسته جمعی باغندگان منطقه به خارج
 است. اگر از یکجانب در بعضی جاها
 جنگلات در اثر بمباران هوایی ویا

بحد کافی وجود ندارد از پنجپت زمین
 به فقرغذایی دچار است مالداران نیز
 مانند زراعت در طی ده سال جنگ شریست
 عدیدی خورده است. ضربت خوردن مالداران
 در جریان جنگ بعلت ترس از بمباران
 قوای هوایی دشمن بود که مردم مهاجر
 ویا حتی باغندگان منطقه را مجبور ساخت
 تا قسمت اعظم رزمه‌های خود را با خود
 بطرف پاکستان بیاورند و یا آنرا بسرای
 تاجران پاکستانی بقیمت ارزان بفروشند
 علاوه استعمال بمب‌های گوناگون بسا
 اثرات شیمیائی مخرب آن بر چراگاه‌ها
 امراض غیر معمولی را در میان مواشی
 بمیان آورده است که در بعضی مناطق
 کتله‌هایی از مواشی مردم بعلت فقدان
 تسهیلات و ترنری از زمین رفته است علاوه
 افراد در جریان مهاجرت‌های اجباری
 و غیر مترقبه فقط میتوانستند تمسکاتی
 از مواشی را برای آذوقه خود حمل کنند
 که با آن سجوی میکردند. می‌اهدینسی
 که در منطقه رفت و آمد دارند اکثرا
 معرفت خوراک خود را از مواشی تهیه مینمایند
 کنند و در صورتیکه مهمان قریه هم
 باغد برای شان " مال حلال " می‌کنند.
 همه این عوامل تاثیر قابل ملاحظه‌ای
 بر تقلیل مالداران در منطقه نورستان و
 گجراتین که دولیت اصلی مالداران

توب‌های ثقیل خراب شده اند و از جانب دیگر شرایط داغ جنگی برای تاجران و قاچاقچیان فرصت قطع جنگلات را نداده است. تنها در منطقه اسما روکا مدیسی که نزدیک پاکستان بوده و امکانات انتقال چوب ارچه و غیره به اینسوی مرز به آسانی میسر است و جنگلات تا حدود زیادی آفت دیده اکنون که شرایط آرامی حکمفرماست خطرات زمین رفتن جنگلات در این منطقه افزونتر شده و امکان گسترش این خطر در مناطق دیگر کثرت نیز افزایش یافته است و در صورتیکه درین مورد توجه لازم صورت نگیرد شاید کمانیکه از قبیل نیاز مندی‌های روز افزون مردم ثروت اندوزی می‌کنند درین بخش نیز دست بکار شده اند تا با برگردن جیب خود - این ثروت ملی مردم کثر را بباد فنا بدهند و ممکن است بعد از چندی اکثریت کوهستانهای کثر از این ثروت طبیعی محروم و کوه‌ها برهنه گردند که تاثیرات متعددا لجوایی بر محیط زیست و اقتصاد منطقه خواهد داشت -

تجارت در گذشته در کثر اهمیت چندانی نداشت و تاجران جزء همراه با پیشه‌وران در حاشیه جامعه فئودالی قبیلوی کثر زندگی می‌کردند. فقط تاجران چوب توانسته بودند ازین طریق راه خود را بطرف زمینداری باز کنند که قبلا کثر

آن رفت -

بازارهای تجارتی که در مرکز ولایت چغه سرای (اسدآباد) و یاد مرکز ولسوالی ننگلام و هلاقه داری چغه نره بود بکلی از بین رفته است و اهمیت چندانی در شکل دهی سیمای اقتصادی کثر ندارد. روابط تجارتی چغه سرای ننگلام عبرت و برگ مثال مستقیما با بازارهای پاکستان است که مواد مورد ضرورت مردم مانند تنک و تیل خاک الیسه را از باجوهر و باچترال و در دویه داخل مناطق نزدیک انتقال میدهند. درین مناطق پول کلنسیدا و پاکستانی پایه دادوستد است. دکان‌های قریه جات نیز اکثرا متهم گردیده و مردم مستقیما توسط الاغ ما محتاج خود را از مسافت ۳۰ - ۴۰ کیلومتر دورتر انتقال میدهند.

ولی تجارتی که اکنون در خلال دهسال اخیر سر بلند کرده تجارت سنگ‌ها و قیمتی بخصوص بیروچ است. معادن بیروچ کم و بیش در تمام کوهستان‌های کثر یافت می‌شود ولی در مناطقی که ذره بیج بیشتر است. در نورستان شرقی در قریه‌های سمنک بهروک و نزدیکی‌های کامدیش بیروچ وجود دارد. معادن بیروچ در هر قریه به ملکیت اجتماعی قریه‌ای تعلق می‌گیرد که معدن در حوزه آن قرار دارد

سفارتخانه های غربی و کشورهای عربی همراه با تمویل کنندگیشان بین المللی دیگر که مستقیماً با افغانها وارد معامله میشوند تا از این تجارت بی صاحب برای خود شروتس بیاندوزند .

تکنیک استفاده از معادن بیروج - طوریکه در استخراج آن اجتنابها و افراد متخصص هیچگونه اشتراکی ندارند سرنگ پرانی و بیب گذاری در معسنادن توسط افراد عادی صورت میگردد و بدین صورت استفاده از آن - از نقطه نظر تخنیک - غیر علمی و توأم با ضایعات زیادی است و خطرات این مبرود که تا وقتی افغانستان آزادی شود و نظام دولتی جای بی بندوباری کنونی را میگیرد مقدار غیر قابل تصویری از ثروت ملی ما بفارت برده شده و با با استفاده نادرست از آن بهدر می رود .

تاثیرات اقتصادی استخراج بیروج بر منطقه طوریکه که ثروت حاصل شده از این بابت نیش بدوی سرمایه را برای بوجود آوردن اقتصاد کالشی سرمایه داری نمیتوانند تا پندگی نماید . واکترا بعنوان یک سرمایه مصرفی در داخل خود جامعه و با در بیرون آن در حرکت می شود که خود باعث تورم پولی

ولی در واقعیت امر این معادن را افراد معینی تصاحب می کنند که سرمایه های ثابت و سیال خود را از تنظیم های بنا و بیاموسسات بین المللی دریا فست کرده اند . حاجی گل زر ، حاجی بختیار حاجی علی گل ، ملاکویر حاجی (پسر عم مولوی حسین کتر) همگی از قریه ننگلام و مورد تا بید مالی و معنوی مولوی حسین است که خود از سالهای سال در تجارت بیروج بطور مستقیم اشتراک داشته است . علاوه حسن از قلا حاجی نقیب و حاجی محمد نور از منطقه علاقتاری (چپه دره) در کتر به تجارت بیروج مشغول اند که بیورس تجارتی مدیبری نیز بهمین رابطه در مالکگی منوی بنا و تاسیس کرده اند . تاجران بیروج باسرا ن تنظیم های بنا وری و قوماندان های مطی روابط نزدیک دارند و بدون تایید و همکاری آنها کاری نمیتوانند . بنام در مناسبات درون منطقه این هردو را باید بعنوان یک complex مطالعه کرد . تمویل کنندگان این تجارت بیجمارند : احزاب بنا وری ، تعدادی از تاجران حرفه ای که اکنون خود را در موسسات بشردوستانه پنهان کرده اند و با استفاده از سرمایه های موسسات سهم قابل ملاحظه در بیسن تجارت دارند . تعدادی از افراد در

بلند رفتن نرخ مواد اولیه زندگی و دیگرگونی نظم بدوی زندگی درجا معده وساقط کردن مولدین خرده یا از هستی اقتصادى شان است .

این وضع را بخصوص درجا معده نورستان در قریه های پیروک و سمنگ میتوان متنا کرد که ثروتمند شدن بعضی افراد درین قریه ها باعث تنش های اجتماعى تا سرحد قطع رابطه قریه ها با همدیگر شده است .

در نورستان دولت انقلابی اسلامی افغانستان (مولوی افضل) از تاجران بیروح زکات میگیرد ولی در منطقه خارج نفوذ آن ، احزاب پسا وری دیگر حتمی همین مقرر را نیز نتوانسته اند تطبیق نمایند . شاید هم چون در اینجا " خودکوزه و خودکوزه گری خودگل کوزه اند " بنا " کنتر آزادا کنون با زراعنت محدود عملجاری ضربت خورده و جنگلات در معرض خطر همرا با تجارت نوحاسته بیروح سیمای یک اقتصاد بیروح را نتوان میدهد که دارای ظرفیت تکامل زیادى است ولى تسلط مناسبات عقب مانده مهاجرت تعدا زیادى از ساکنان آن ، نبودن برنامه های انکشافى خطر این میرود که در آینده منطقه حتى به قحط منتهى مواجعه شود .

ب : تغییرات اجتماعى حاصل شده از جنگ مقاومت :

دهه جنگ مقاومت حاصل دیگرگونی های بشمار بیوده است . از همه مهمترین روابط و مناسبات طبقاتى در میان روستای کتر که در سالهای اخیر دوران دموکراسی ظاهرشاهى دوران داد و ستاد طبقاتى میخواست خود را از قید و بند علائق قبیلگى رها کرده و جامعه را بطور عمودی بسه نادر و دارا را تقسیم کند بنا بر تسلط جوشد حکومت مرکزی و بعدا بخصوص مبارزه علیه يك قدرت بیگانه این تضاد دوباره خاموش گردید .

نه تنها تشدید عملکرد همبستگی قبیلوی در تحت تاثیر احساسات ملی ضد بیگانه تمام تناقضات اجتماعى وحتى دشمنی های دیرینه قبیلوی - را در درجه دوم اهمیت قرار داد بلکه علائق و روابط میان ملیت ها نیز بیخ از پیش تقویت یافت . بخصوص روابط ذات البینى مافى - نورستانى که بعد از قیام مافى در سال ۱۳۲۴ و همکارى نورستانى ها با دولت مرکزی تا این بیان حد مدو بعهده بود عمدا زینکته نورستانى ها کتله های وسیع مهاجرین مافى - ننگلامى را در میان خود با پیشانی گیاده جان دادند و در جهات نبرد مردانه

خانه به خانه برادران بختون خود درجها داخترک ورزیدند و حتی توصیفه کردند که در هر جبهه ای که میباید میروند تا جادفن شوند تا جیبهاش جپا دبا نقل و انتقال جدها ی آنها سرد شود. وقتی نورستانی ها گروه های مختلفمانی را بعد از حملات بزرگ دولت در ۸۱-۹۸۰ درجریان مهاجرت به پاکستان در مناطق نورستانی پذیرائی کرده و بعد از آن تا مرز رسانیدند و ۳۰۰۰۰ همه یمن هم در دیرپا و همبستگی ها نمیتوانست در میان اقوام بختون بدون پاسخ باقی بماند و آن روایت سردی بیگانه گسی ما بقای خود را به غلایق و احساسات گرم دوجا نسبت داده است که تمام تلاش دولت مزدور بخاطر در ز - انداختن میان اقوام گجر با نورستانی بر روی مساله زمین و بامیان مانسی و نورستانی بخاطر دامن زدن حواله سالهای ۶۱ هیچگونه نتیجه ای پیشمار نیارود - جنگ مفتا و احساسات ملی منترک را در میان مردم ما بوجود آورده و تقویت کرده است و در یمن را بطنه بیگانه گسی قبیله ای خرد را به همبستگی ملی داده است تقویت آگاهی ملی در میان نورستانی ها شده در تضاد با ملیت های برادر و همسایه بلکه به مفهوم در آمدن در جرگه منترک

ملیت های دیگر و تا بعد بر روی سر نشین منترک بریا به غلایق و روابط برادرانه و مسایله است و این چیز نیست چیز آگاهی ملی که از خائل مبارزه و قربانی منترک ملیت های ساکن این سرزمین بوجود آمده است -

دگرگونی دیگر در موقعیت روحا نیون مطر رخ داده است - این دگرگونی از دوجا تب به وقوع پیوسته است ؛ از یکجا تب در تغییر موقعیت مکانی آنها روحا نیون مطر تقریبا همگی به بناور مهاجرت کرده اند - چون روحا نیون تملق چندانی به ملکیت زمین نداشته اند و بدین سادگی تر از دیگران قادر به ترک مطر خود شدند - دگرگونی دیگر در وظایف آنهاست ؛ این قصور سابقا از طریق امامت مسجد منکاج جنازه و ختم و ... وظایف اجتماعا عسی و دینی را بر ایجا معه ادا میکردند و در مشاغل سرما به عتده قطره اشک ط و غیرات پیداها تملق دایره آنها در مسایله تومی بخش چندی مذاقتند و در دایره کردن جرگه ها و دادن فیصله ها یا هیچگونه اعتراضی نداشتند و یا اینکه تا شهری در مجریات امور نداشتند و لی اکنون - تا جائیکه دیده میشود - ما اکثر ظالی او منام است یعنی نمازی - را خوانند و ملک های مطر - که تملق

شان اکفون محدود شده است - بدون -
گرفته اند . گویا نوعی تمویض وظیفه
میان خان و ملک از یکجا نب و ملا و روحانی
ازجا نب دیگر بوقوع پیوسته است . خان
ملا عده است و ملا خان . ملا ...
روحانیون بیشتر از خارج و از طریق
تنظیم های پناوری - ویا از داخل آن
در جامعه اعمال نفوذ می کنند و لسی
از لحاظ روانی هنوز هم موقعیت تثبیت
شده ای ندارند .

مهاجرت به بیرون و مهاجرت از جاها
دیگر به کثر نیز تا حدودی علائق قومی
را صدمه زده است . کسانیکه مدت ده -
سال در پاکستان زندگی کرده اند اکنون
با افکار و علائق تازه ای به کشور
و بافتدگان آن میگردند و آنها تیکه در
محل زندگی می کنند با بافتدگان
پاکستان آن علائق دیروزی را ندارند
- البته استثناً - اتی در مورد و جو
دارند - مهاجرت بیش از ۶۰٪ مردم بخت
مقدار زیادی از مشکلات اجتماعی ناشی
! ر آن را بخت ! انتقال داده است
مهاجرین تازه وارد به محل از لغمان ،
ننگرهار و بدخشان و دیگر جاها که
مربوط به قوم صافی نیستند یقیناً در
درآمدت علائق اجتماعی و مناسبات -
اقتصادی مبتنی بر منافع اقتصادی صرف
را با گزین مناسبات اقتصادی ، و شید .

ویا رنگ پذیرفته از علائق خونسی
می سازد .

روابط ذات البینی قومی و روابط
خانوادگی از یکجا نب بنا بر پراگنده
شدن خانواده ها را قوام از همدیگر
تلاش و پراکنندگی عینی آنرا نشان
میدهد ولی بعلمت شرایط جنگی عدم
اطمینان امنیتی قیام از اقتصادی و تسلط
یک حالت روانی بازگشت به " بهشت
از دست رفته " ظاهرأ این علائق نه تنها
با برجا بلکه قویتر از گذشته نیز
نمایش داده می شود ولی در و رای این
تشدید ، علائق و روانشناسی افرادی مشهور
است که با نزدیک شدن لحظه مرگ یکی
از اقارب نزدیک بیرون موجب و زاید الوصفی
نسبت با احساس می کنند . ولی در هر
حال اپورتونیسیم جامعه انتقالی چه در
پراگندگی ویا نزدیکی اینگونه علائق
نقش تعیین کننده دارد . اپورتونیسیم
که یک سر آن در ارزش های قبیلوی و -
دیگران در آخر منافع نقدیننه میگرد .

اوضاع سیاسی کشور:

مقاومت قهرمانانه مردم کثر در طی
دهساله گذشته روحیه آزادمندی مفروز
افغانی و اتکا بخود مردم این سرزمین
را دوچندان ساخته است . تجارب سیاسی
نظامی مردم اگر از یکجا نب تعدادی را به

دره بیج میسازد که دارای گرایشات
سلفی - وهابی و یکی از پایه های محکم
عربستان سعودی در میان هفت تنظیم
است. حزب اسلامی برهبری کشمیرا کنون
در حال تفتی و جذب شدن در تنظیم مولوی
حسین است. کلانترین نیروی نظامی را
در منطقه مخاضلی داراست. قوماندان
مطیع الله قوماندان جبار سیدنا محمد
وانورا مین قوماندانهای با پایه های
سین توده ای و مقدار زیادی سلاح
و مهمات اند ولی از لحاظ سازماندهی
و مؤثریت نه به پایه تنظیم وهابسی
مولوی حسین میرسند و نه هم بنیاد تنظیم
اخوانی گلبندین لذا مؤثریت این هر دو
نسبت به مناط و درکنتر بمراتب بیشتر
است.

در اسما مولوی خالص (از طریق
قوماندان میرزمان) وجبهه نجات نیز
تا حدودی نیرو دارد. حزب گلبندین
بیشتر در دیوه گگ و شوکله پائین ویدگی
اسما نفوذ دارد.

در نورستان از چندین سال به اینسو
حکومت انقلابی اسلامی نورستان برهبری
مولوی افضل وجود دارد که مرکز آن در
سیدآباد (نزدیک برگ متال) بوده و
در اکثر مناطق نورستان شرقی نفوذ
و تسلط کامل دارد و در کامدی نیز در
پهلوی تنظیم های دیگر از نفوذ تا بسط

احزاب بناوری وابسته ساخته که
هنر زندگی کردن را در بردگی بیگانه
می پندارند ولی از جانب دیگر اکثریت
مردم کنون ازین تجارت در سپای لازم
را استخراج کرده اند. و با بیگانه
برستی و مزدوری به اجانب مخالفند
خود را با اشکال مختلف آن نمایان میدهند
مجاهدین آزادکنر که در اوایل
جهاد توانست هزاران تن از مردم کنون
و از تمام ملیت ها و اقوام را زیر سلطه
جهاد مقدس بسنج نماید گرچه در مقابل
حملات روس و دولت مزدور و خرابکارهای
احزاب اخوانی شکست خورد ولی بعنوان
یک حرکت توده ای تراگیر در سر تا سر
کنون تا تیرات عمیق بر مردم داعیه است
و مردم تا کنون هم خود را با افتخار
بد آن منسوب میدانند بنا به اکثریت
مردمان آن در واقع به هیچ سازمانی
و یا حزبی تعلق ندارند و به مناسبات
قومی یا رینه بیخت یا بندی نشان میدهند
ولی احزاب معینی نیز در آنجاها نفوذ
کرده است. نفوذ احزاب سیاسی سطحی
و بیشتر بردامن زدن برانگیزه های
مادی استوار است تا علائق اعتقادی و -
با ورهای سیاسی. اکنون مؤثرترین جریان
سیاسی را درکنر و جماعه الدعوه السی
القرآن والسنة برهبری مولوی حسین
(مولوی جمیل الرحمن) از ننگلام

منتظم برخوردار است. و نظریست
 مائیه های مختلف یکبار ه ساده ولی
 کار آرا بیگونی در آورده است دولت
 مزدور از طریق سرورنورستانی ویا محمد
 چنبرک (درجه دوه) کوییده است
 بعزدم بلخ وپلمات میراند ولی کوی
 دولت برای بهم اندازی مردم ازینطور
 چندان نتیجی نداد است + سسرور
 نورستانی به کابل فرار کرده است
 یا محمد چنبرک نیز فقط روی مجبوریت
 معینی حاضریمکاری با دولت داده است
 با این وضع بعد از خروج نیروهای
 روسی - دولتی از کتر در اکتوبر ۱۹۸۸
 خلا سیاسی - نظامی در منطقه پوپول
 آمد که باید توسط نیروهای مقاومت
 پر میند - ولی نیروهای رهبری کنند
 جامعه سلطه خود را در جریان دهسال
 وفتار نظامی دوجانبه نیروهای درگیر
 از دست داده بودند و نیروهای دارای
 قدرت نظامی اگر سلطه داشتند رهبری
 نداشتند + ولی بهرحال کنگوری بسور
 شان " هفت تنظیم " مولوی ریاستی
 را - که روابطی با جمعیت اسلامی
 دارد پس زیاد با بلند مساجد تنظیمی
 داشت و در وقت کور مشهور نموده
 پس از آنکه در وقت کور مشهور نموده

بیت سر مولوی ریاستی مولوی ۶۸ نفری
 از شما بندگان هفت تنظیم قرار دادند
 درجه برای مرکز دارند - این غیور
 کاری ندارد وکاملاً همراها والی آن
 حیثیت نمایی دارند + نه آنها چسب
 کار مردم مداخله ندارند و نه هم مردم
 به آنها مراجعه میکنند والی سرور
 سلسله ها تدکیلات زیاد می تدارد وقتای
 مهم آن مستقیماً توسط خود مولوی چین
 که درین راستا فیصله می شود والی سرور
 آنها خور و وابستگانی قدرت در کنس
 هفتادند + ولسوالی ننگام ولسوالی
 شوکیه و ولسوالی اسار ملانداوی چه
 دره هگی زیر نفوذ آنها قرار دارد
 این گروه در تمام این مراکز اری
 افرادی را بنام ولسوالی اما مسپور
 علاقه دارد و ... برگزیده و زوالی
 تا افراد پنداده برای مرکز ام ما هزار
 ۶۰۰ تا ۱۴۰۰ گذار معاش میباشند
 برخوردار سلسله در منطقه بافتای
 قومی توانم با احتیاط حساب شده است
 از اوضاع چنین برمی آید که
 اکنون فاند تا ...
 احتیاط ...
 مشهور ...

ظرفناك آن درصحنه حضور دارند بنسب
 سعه صدر و گذشت و مدارای غیر قابل
 باوری در مقابل نیروهای دیگر و مردم
 از خود نشان میدهد تا این تاکتیک
 بیشتر از جنگجوی تسلط و مابقی
 در عربستان سعودی نسخه برای خود
 یافته که در آنجا نیروی نظامی و قدر
 مالی و بیطرفانه بین المللی همگسی
 در جریان یک حرکت دوامدار و دراز مدت
 نیست بخت هم داده و قدرت سیاسی محکم
 آل سعود را بوجود آورد .
 ولی بهر حال قدرت سیاسی موجود در کثر
 در وجود دووالتی در چینه سرای و بساک
 رهبر دولت در برنگه متال - تجزیسه
 خطرناکی را در محدوده یک ولایت نشان
 میدهد که در نتیجه آن قدرت سیاسی
 هیچگونه تهدیدی برای اجرای برنامها
 اجتماعی و اقتصادی را رویت گرفتند
 نمیتوانند .
 گرچه ملک متحد تصمیم دارد شورای
 هفت گانه تشکیل را در چینه سرای پشاور
 معنای خود در امور بازرگانی
 افغانستان بپذیرد ولی در صورتیکه
 امکانات مالی ملک متحد عمدتاً درست
 سلفیها قرار نگیرد امکان تطبیق برنامها
 اصلاحی بهیچ صورت متصور نخواهد بود .
 ملک وخواه هر چه باغد اکتیون
 در گذر نه نشانها و وجود دارد و نسبه

مکتب نه با مورعمرانی توجیه می شود
 و نه به برنامه های انگلیسی . مدرسه ها
 یک صنف و دو صنفه در قریه ها از محلی
 فقط میتوانند حیف و میل های تعدادی
 از موسسات " بنیادین " را توجیه
 نماید تا بیالمنی را بنام این موسسات
 و پروژه های خیالی آن در جیب انفراد
 معینی ببرند چه این افراد ناقصه
 یا کثرتی و یا خارجی باشند .
 بهمین دلیل با وجود اینکه کثیر
 از مدت پیش از یکسال کامل آزاد است
 مهاجرین آن دوباره بیرون بازنگشته اند
 و عدم بازگشت مهاجرین باعث عدم
 احیای اوضاع و عدم تضمین یک زندگی
 حداقلی سابقه خطرناکی را در رابطه با
 مجموع مهاجرین ما بوجود می آورد .
 بیشتر اجزای اکتون زیر طبقه
 ثعلب : های اجتماعی میخواهند
 نفوذ سیاسی خود را گسترش دهند . مدارس
 حزب اسلامی ، مدارس سنی ها و کلمه
 وبله و باید سازمانها همگی نماینده
 یا به ابرای نشان میدهند که یا را
 فرقه های اجزای پناوری در دانه بسی
 پایانی سرگردان اند .
 دورنمای اوضاع کثر (با یا سخن)
 اوضاع کشور ما بعد از کودتای هفت
 نور و تهاجم روس بی نهایت بنر نسج
 عده است . تکامل طبیعی جامعه بنا بر

ند ترازی های روس و آمریکا وعده
 بینمارچ از نیروهای بین المللی دچار
 اختلال شده است . جامعه سوسیالیستی
 قبیلوی نورستان اکنون توسط حکومت
 انقلابی اسزمن افغانستان " که ساجه
 نفوذ آن از چند قریه تجاوز نمی کند
 اداره می شود در بخش پیشون نشین کتو
 سُنیت "بی بیقت را از همه در رسوده
 است و در مقابل عقده تنظیم و حکومت عیو
 مکتب ایستاده است تا آنجا که حکومت
 عبوری حتی یک لوحه تبلیغاتی خود را
 نمیتواند در کفر نصب نماید .
 وی نیرویی که در کتو دارای سلطه
 است هم از درون وهم از بیرون تخت
 فگار فرار ندارد . از درون مناسبات
 قبیلوی کارکرد آنها محدود میسازد و
 در بیرون هفت تنظیم خواهان اقتدا
 نشود خود در کتو هستند . اگر "حکومت
 عبوری " از تا وه پاس تا چده عروای
 نتوانند " عبوری " کشف گشته پس
 چنان آباء و حتی به مؤازر شریف و قاریاب
 " عبیری " خواهد کرد . آباء کارگرد
 عربستان سعودی آنقدر قوی است که
 میتواند حتی مذاخ اکتان را نیز
 زنده نگه دارد . زیرا میتواند با همه
 آمریکا و اسرائیل و غیره معامله کند
 و در مقابل آنها سلاح و تجهیزات
 و غیره بخرد .

مساله قابل مکتب دیگر اینست که
 پایه های عینی جامعه قبیلوی کتو
 و نورستان در خلال جنگ پمدت فروریخته
 است ولی در روینای اجتماعی و فرهنگی
 مشور هم به و حتی با عدت بیدتری - این
 مذاکرات کارکرد اجتماعی خود را حفظ
 نموده است . دینا میک اجتماعی جامعه
 کتو در سال های آینده در کدام جهت
 حرکت می کند آیا چنانچه " گرامشی " ^{های}
 در مورد جوانی مع بدینترانه ای از صحبت
 چنانی قبا دها می سفی در مقابل دیگر گوتی
 اقتصادی ویا مؤکسات نوینتیا د سیاسی
 - مانند احزاب و اتحادیه ها و غیره
 یاد می کند در مورد کفر تیز ها ندر است
 ویا تشریح های جامعه عثمانی . مشا رت
 - چه غربی و چه شرقی - در نتیجی نسبت
 یا لاگت کرده و جریان نوایی و معا و نای
 تجار تی همرا ه با قبا دهای سیاسی
 تازه وارد میتوانند دیوه تشکر و زندگی
 مردم کتو را عزیز نماید . بهر حال
 گنبریمای جامعه عثمانی آنجه تا تدر
 این مشا ه . چنانکه تدر
 خواهد داشت .
 وی بیشتر از همه
 است . در
 و

نماینده مردم باشد که حد اعمال انبوی
خود را از دست داده و مردم حسد
تعمد و خیزش را میدهد اکنون که کتیمیر
دارای قدرت سیاسی چندگانه است و بسا
بیشتر بگویم دارای قدرت سیاسی نیست و
فقط با میگا نیم جامعه قبیلوی و خود
گردانی بدانی در حرکت است فهم ایمن
نضیه از اهمیت برخوردار است .
بهر حال اگر مسایل را بدید بحث
گرتیم مسایل زیادی هنوز درضی گنمان
است و خوانند آتیه میتواند پرنه از روی
آنها بردارد .

قضا یا ی شهروندان اند . تشوری جامعه
دناسانه دولت های معاصر تقریباً همگی
بر همین پایه اساسی استوار است و ایمن
اساسی ترین امتیازی است که دولت
معاصر از دولت های قرون وسطایی دارد
که خود را نماینده قدرت الهی در روی
زمین میداند .
دولت های وظیفه ای تعهد الزام حلق
برایلم های روزمره و دراز مدت شهروندان
را دارند و این یگانه باید انبوی
دولتی را میسازد . دولتی که قادر به
حلق محضات مردم نبوده و برای آنها
معیظه خلق نماید نه تنها نمیتواند

تراخوانند ندای آزادی

ندای آزادی در نظر دارنده ما ره آینده به معرفی شهید بزرگ پروفسور عبدالقجوم "رهبر" بپردازد
ولی معرفی شخصیتی به علت "رهبر" که ایما دستلف و گسترده دارد کار یک جمع محدود نیست .
"رهبر" شخصیت برجسته علمی بود و ارزوایی شخصیت علمی او کار اهل علم است . "رهبر" محقق و
تخلیگر برای زمانه بود و درین رابطه پایش را از دایره یک کشورم بیرون نهاد . لذا بیان
معرفی این جنبه از شخصیت را مستحقین و تخلیگران حتی در سطح بین المللی باید بدیده گیرند .
"رهبر" شخصیت را از اول سیاسی بود و او را بدین صفت نبی از جهان می شناختند و معرفی این پند
شخصیتی او همکار جمعی خیره است . "رهبر" یک دیپلمات تمام عیار بود و مذاکره دیپلوما تیکی که بسا
سروکار داشتند با به علمت کار را اختیار کردند . "رهبر" نیز از این ویژگی به مدد دیپلوما تنها میسر
است . "رهبر" جامعه شناس و خود نمونه یک انسان کامل و خودکش بود و جمع گداری درین رابطه
نظر مستقی دارند که باید گویا آوری گردد . "رهبر" دیست و رفیقی سمعی بوده . دیستان و رفقای بی بدین
عاطرات را از آیدارند که باید جمع آوری کرد .
بنا - ندای آزادی از همه متافل و شخصیت ها گروه ها سازمانها و ... داخل و خارج کشور و همه
دیستان و روابه! این شهید بزرگ دعوت می کند که با ارسال نظرات و گفتنی های شان ما را درین
که ریزرنگ باری رسانند . آدرس ما را از شماره های قبلی ندای آزادی بگورید .